

پیش‌بینی سازگاری زناشویی براساس احساس تنهایی، اضطراب مرگ
و معنای زندگی در زوجین شهر تهران

Prediction of Marital Adjustment Based on Loneliness, Death Anxiety
and Meaning of Life among Married Couple in Tehran

<https://dx.doi.org/10.52547/JFR.19.2.217>

M. Ghafouri, M.A.

Family of Research Institute, University of Shahid
beheshti, Tehran, Iran

A. Zademohamadi, Ph.D.

Family of Research Institute, University of Shahid
beheshti, Tehran, Iran

L. panaghi, Ph.D.

Family of Research Institute, University of Shahid
beheshti, Tehran, Iran

✉ محمدسجاد غفوری

پژوهشکده خانواده، دانشگاه شهید بهشتی

علی زاده محمدی

پژوهشکده خانواده، دانشگاه شهید بهشتی

لیلی پناغی

پژوهشکده خانواده، دانشگاه شهید بهشتی

دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۱۱/۹

دریافت نسخه اصلاح‌شده: ۱۴۰۲/۳/۶

پذیرش مقاله: ۱۴۰۲/۳/۲۴

Abstract

One of the most important determinants of optimal family performance is marital adjustment. There are several factors associated with marital adjustment, including loneliness, death anxiety, and the meaning of life. The study aims to predict marital adjustment based on loneliness, death anxiety and the meaning of life.

Department of Psychology, Family of Research
Institute, University of Shahid Beheshti, Tehran
Iran
Email: msq.1373@gmail.com

چکیده

یکی از مهم‌ترین تعیین‌کننده‌های عملکرد مطلوب خانواده، سازگاری زناشویی است. عوامل مختلفی با سازگاری زناشویی مرتبط هستند؛ از جمله آن‌ها می‌توان به احساس تنهایی، اضطراب مرگ و معنای زندگی اشاره کرد. هدف پژوهش حاضر نیز پیش‌بینی سازگاری زناشویی براساس احساس تنهایی، اضطراب مرگ و معنای زندگی می‌باشد.

✉ نویسنده مسئول: تهران، دانشگاه شهید بهشتی، پژوهشکده خانواده

پست الکترونیک: msq.1373@gmail.com

The method of this study is correlational. The statistical population of this study is all married people living in Tehran. For this purpose, 231 people were selected by available sampling method to complete the online questionnaires in cyberspace and completed the Marital Adjustment (MAT), Loneliness (UCLA), Death Anxiety (DAS) and Meaning of Life (MLQ) questionnaires. Data were analyzed using multiple regression method. The results of this study showed that marital adjustment has a negative and significant relationship with loneliness and a positive and significant relationship with meaning of life and no significant relationship with death anxiety. It also predicted variables of loneliness and meaning of life in marital adjustment. Thus, it can be concluded that the loneliness and the meaning of life play an important role in the marital adjustment of spouses.

Keywords: Loneliness, Death Anxiety, Marital Adjustment, Meaning of life.

روش این مطالعه از نوع همبستگی و جامعه آماری این پژوهش، همه افراد متأهل ساکن در شهر تهران هستند. به این صورت که ۲۳۱ نفر به روش نمونه‌گیری در دسترس برای تکمیل پرسش‌نامه‌ها در فضای مجازی به صورت آنلاین انتخاب شدند. پرسش‌نامه‌ها عبارت بود از سازگاری زناشویی (MAT)، احساس تنهایی (UCLA)، اضطراب مرگ (DAS) و معنای زندگی (MLQ). داده‌ها با استفاده از روش رگرسیون چندگانه مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج این پژوهش نشان داد که سازگاری زناشویی به ترتیب با احساس تنهایی رابطه منفی و معنادار و با معنای زندگی رابطه مثبت و معنادار دارد و با اضطراب مرگ ارتباط معناداری ندارد. همچنین متغیرهای احساس تنهایی و معنای زندگی سازگاری زناشویی را پیش‌بینی می‌کرد.

به این ترتیب می‌توان نتیجه‌گیری کرد که احساس تنهایی و معنای زندگی نقش بسزایی در سازگاری زناشویی همسران دارند.

کلیدواژه‌ها: احساس تنهایی، اضطراب مرگ، سازگاری زناشویی، معنای زندگی.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

یکی از جنبه‌های روابط سالم که می‌تواند باعث بهبود ارتباط و تفاهم در میان افراد، به‌خصوص در میان زن و شوهر شود، سازگاری زناشویی است. سازگاری فرایندی است که هریک از زوجین به‌منظور دستیابی به سطح بهینه‌ای از رضایت زناشویی، به‌صورت فردی یا مشترک، به بهبود الگوهای رفتاری خود می‌پردازند (کیم، شین و یان^۱، ۲۰۱۸). سازگاری زناشویی وضعیتی است که به زوجین احساس نشاط، رضایت از ازدواج و تعلق خاطر دست می‌دهد که حاصل آن رشد و پیشرفت همسران در عرصه‌های گوناگون زندگی و افزایش درک متقابل از یکدیگر است (سپهان و آیدوگان^۲، ۲۰۲۰). از جمله ملزومات داشتن سازگاری می‌توان به عناصری مانند انطباق داشتن در سلیقه‌ها، ویژگی‌ها، هنجارها و الگوهای رفتاری زوجین اشاره نمود

(کاوه‌فارسانی، احمدی، فاتحی‌زاده، ۱۳۹۱). در کنار آن، همسران سازگار در زندگی زناشویی خود نیز از تعاملات سازنده بیشتری استفاده می‌کنند (روزیان، نامداریپور و جوادزاده، ۱۴۰۱). به نظر می‌رسد که چنین مفهومی زیربنای کارکرد صحیح خانواده تلقی شده (کامینگ و اورلی^۳، ۱۹۹۷) و به‌عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل اثرگذار بر عملکرد خانواده برشمرده شده است (سینها و مکرچی^۴، ۲۰۰۱).

نگاهی به پژوهش‌های انجام‌شده نشان می‌دهد عمده مطالعات داخلی به متغیرهایی مانند مهارت‌های مذاکره و حل مسئله (صادقی، مظاهری و موتابی، ۱۳۹۲)، ویژگی‌های شخصیتی (روشن‌نژاد، بیان‌فر و طالع‌پسند، ۱۳۹۸)، جهت‌گیری مذهبی (مقدس‌زاده، ۱۴۰۰)، مدیریت تعارض (هاشمی، عارفی، کاکابرابی و چهری، ۱۴۰۱) در ارتباط با سازگاری زناشویی پرداخته شده است؛ در صورتی که نقش برخی مضامین هستی‌شناسی در حوزه‌های گوناگون روابط میان همسران انکارناپذیر است (پروچسکا، ۱۳۹۴). از منظر رویکرد روان‌شناسی وجودی، بسیاری از واقعیت‌های مسلم و گریزناپذیر جهان هستی مانند انزوا، مرگ و پوچی، در تضاد با تمایلات معمول انسان در گرایش به داشتن روابط اجتماعی، تمایل به جاودانگی و معنادار شدن زندگی می‌باشد؛ از این رو وجود چنین تناقضات بنیادینی در زندگی انسان، پیامدهای خود را در عرصه‌های مختلف زندگی او، از جمله روابط بین‌فردی‌اش، برجای می‌گذارد (اشنایدر و کراگ^۵، ۱۳۹۴)؛ به همین منوال، زندگی زن و شوهر تحت تأثیر تلقی آن‌ها از مضامین هستی‌شناسی است؛ بنابراین، پشتوانه برخورداری از رابطه مناسب میان همسران، کنار زدن روزمرگی‌های زندگی و تمرکز بر وضعیت وجودی حاصل از رویارویی با مؤلفه‌های هستی‌شناسانه می‌باشد (رضا پورمیر صالح، اسماعیلی، فرح‌بخش و ذکایی، ۱۳۹۲).

یکی از متغیرهای مورد اشاره در پژوهش حاضر احساس تنهایی است. از نظر الهگین^۶ (۲۰۰۴)، احساس تنهایی تجربه ناخوشایندی مبنی بر متمایز بودن شخص با سایر افراد می‌باشد که با مشکلات رفتاری چشمگیری مانند غم، عصبانیت و افسردگی همراه است. از نظر او، احساس تنهایی ناهمخوانی میان انتظارات و آرزوها در روابط اجتماعی است که نمود آن در رفتارهایی، از جمله اجتناب از تماس با دیگران آشکار می‌شود. از دیدگاه نظریه روان‌شناسی وجودی، مواجهه با احساس تنهایی پیش‌نیاز ضروری برای ایجاد و استمرار رابطه موفقیت‌آمیز است (پالوم، ۱۳۹۷). از منظر بسیاری از مطالعات پیشین، تجربه فزاینده احساس تنهایی تأثیرات آشکاری در روابط زناشویی برجای می‌گذارد؛ گرچه پژوهشی پیامدهای آثار احساس تنهایی را از دیدگاه هستی‌شناسانه بر روابط میان همسران تعیین نکرده است. با این حال در پژوهش میری و نجفی (۱۳۹۶)، میان احساس تنهایی و کاهش رضایت زناشویی همبستگی منفی وجود دارد و ابعاد گوناگون احساس تنهایی، از جمله احساس تنهایی ناشی از ارتباط با خانواده و احساس تنهایی عاطفی می‌تواند کیفیت روابط میان همسران را تحت تأثیر قرار دهد. در پژوهش پاتو، حقیقت و حسن‌آبادی (۱۳۹۱) نیز بین کیفیت ارتباط زوجین و خرده‌مقیاس‌های احساس تنهایی، رابطه منفی و معناداری وجود دارد؛ بدین صورت که کیفیت ارتباط زوجین با ابعاد مختلف احساس تنهایی، یعنی تنهایی رمانتیک، تنهایی خانوادگی و تنهایی اجتماعی، رابطه منفی و معناداری دارد و نیز بین احساس تنهایی و گرایش به طلاق رابطه مستقیمی وجود دارد (محمودپور، شیری، فرح‌بخش و ذوالفقاری، ۱۳۹۹).

مفهوم اضطراب مرگاز جمله عوامل مؤثر بر روابط میان همسران است. اضطراب مرگ شامل پیش‌بینی مردن خود و ترس از فرایند مرگ و مردن درباره افراد مهم زندگی می‌باشد (گایر^۷، ۲۰۰۲). در بسیاری از

پژوهش‌ها، به پیامدهای مخرب اضطراب مرگ در افراد اشاره شده است. به نظر می‌رسد که اضطراب مرگ اثرات منفی در سلامت روان افراد نیز داشته باشد (ایورج، منزیس و منزیس^۸، ۲۰۱۸). افرادی که دارای اضطراب مرگ فزاینده‌ای هستند، ویژگی‌های اضطرابی و علائم روان‌رنجوری و ناسازگاری در آن‌ها دیده می‌شود و رضایتمندی‌شان از زندگی در مقایسه با دیگران کمتر است (عبدالخالق، ۱۹۹۳). عدم حل‌وفصل اضطراب مرگ عناصر دخیل در روابط میان همسران، مانند عشق‌ورزی و صمیمیت را تحت تأثیر قرار داده و از آن طرف مواجهه مطلوب با آن، صمیمیت فزاینده زوجین را به همراه دارد (یالوم، ۱۳۹۷). به‌طور کلی درباره تأثیرات ابعاد اضطراب مرگ در روابط زناشویی، پژوهش‌های کمی صورت گرفته، اما در ارتباط با تأثیرات بین‌فردی اضطراب مرگ، بیشتر به تأثیرات مثبت مرگ آگاهی توجه شده است؛ برای مثال در پژوهشی، از دیدگاه شرکت‌کنندگان متأهل، افکار مربوط به مرگ در روابط صمیمانه بیش از هر امر دیگری مورد توجه بود (فلورین، ۲۰۰۲). علاوه بر این، براساس برخی یافته‌های پژوهشی، آگاهی از مرگ تأثیر مثبتی در تمایل افراد به تشکیل روابط پایدار و انجام فعالیت‌های اجتماعی دارد (فرنج، کریناتور و ملو^۹، ۲۰۱۷). در پژوهش پورغلامی، سهرابی شکفتی و سامانی (۱۳۹۱)، نگرش به مرگ با افزایش کیفیت زندگی و امید به زندگی رابطه مثبت دارد.

همچنین در دهه‌های اخیر، توجه زیادی به ارتباط معنای زندگی با روابط میان زوجین شده است. معنای زندگی اشاره به پیوستگی‌ها و دلالت‌هایی دارد که به آگاه‌شدن هرچه بیشتر ما از وجود خود در جهان کمک می‌کند که بر مبنای آن زندگی و رویدادهایش برای ما مهم تلقی خواهد شد (اکن و تاس^{۱۰}، ۲۰۱۵). فرانکل معنای زندگی را اصلی‌ترین نیروی محرک انسان می‌داند؛ برایناساس کاوش معنا در فراسوی خود شخص است و در موقعیت‌های بیرونی، از جمله در روابط بین‌فردی صورت می‌گیرد (فرانکل، ۱۳۹۴). گاهی نفس پیوند زناشویی هم می‌تواند راهی برای ایجاد معنا در زندگی باشد (کلانترکوشه، ۲۰۱۲). حضور معنا و اکتشاف معنا، صمیمیت و سازگاری زناشویی را میان همسران می‌افزاید (موسوی، پوشریف، رضایی و قاسمی جوبنه، ۱۳۹۸). در پژوهش هاشمی‌زاده، رضایی دهنوی و منتجیان (۱۳۹۹)، آموزش معنادرمانی براساس مکتب ملاصدرا تأثیر معناداری بر رضایت زناشویی همسران داشت. از طرف دیگر، بسیاری از مشکلات خانوادگی زمانی رخ می‌دهد که توجهی به حضور معنای حاکم در رخدادهای زندگی نشده و کشف نشانه‌های معنادار در وقایع گوناگون زندگی برای همسران ضرورت نداشته باشد (لنتز^{۱۱}، ۲۰۰۶).

امروزه ناسازگاری زناشویی عامل بروز بسیاری از مشکلات جسمانی، کاهش بهداشت روانی (هورویتز، هلن، سندرا^{۱۲}، ۱۹۹۷)، کاهش میزان رضایت از زندگی (ناک^{۱۳}، ۱۹۹۵) و اختلال در روابط و عملکرد اجتماعی زوجین و افزایش احتمال طلاق می‌شود (ناموران گرمی، مرادی، فرزاد و زهراکار، ۱۳۹۶). ناسازگاری زوجین می‌تواند باعث بروز اختلالاتی مانند افسردگی (بخشی، اسدپور، خدادادی‌زاده، ۱۳۸۶)، سواس (شفیعی، رفیعی‌نیا و نجفی، ۱۳۹۱) و اضطراب شود؛ بدین ترتیب، با افزایش روزبه‌روز تعارضات زناشویی و تداوم آن در طول زندگی و بروز مشکلات گوناگون در روابط و اثرگذاری منفی تعارضات زناشویی بر سلامت روان و همچنین رشد فزاینده آمار طلاق در سال‌های اخیر، اهمیت پرداختن به عوامل دخالت‌کننده و مرتبط با مفهوم سازگاری زناشویی برجسته‌تر می‌شود. از این نظر، بسیاری از پژوهشگران با هدف بهبود سلامت خانواده و افزایش پایداری آن، به شناسایی عوامل گوناگون تأثیرگذار بر سازگاری زناشویی پرداخته‌اند.

نگاهی به پژوهش‌های صورت‌گرفته مرتبط با زمینه نشان می‌دهد که بررسی مفاهیم هستی‌شناسانه دخیل در روابط میان همسران کمتر انجام شده است (مارکس، ۲۰۰۶). همچنین مطالعات انجام شده بدون در نظرگیری ابعاد هستی‌شناسی (احساس تنهایی، اضطراب مرگ و معنای زندگی)، صرفاً به بررسی هستی‌شناسانه روابط میان همسران پرداخته‌اند یا اینکه صرفاً برخی از ابعاد هستی‌شناسی را در ارتباط با روابط میان همسران در نظر گرفته‌اند. با توجه به اینکه تاکنون پژوهشی به صورت یکپارچه، به ارتباط هم‌زمان ابعاد هستی‌شناسی با سازگاری زناشویی پرداخته نشده است و از آنجا که با در نظرگیری یکپارچه ابعاد هستی‌شناسانه، ارتباط اصیل میسر گشته و بر روابط میان فردی تأثیر منحصر به فردی برجای می‌گذارد (اشنایدر و کراک، ۱۳۹۴؛ بری اسمیت^{۱۴}، ۲۰۱۲)، پژوهش حاضر به دنبال پاسخ‌دهی به این سؤال است که آیا احساس تنهایی، اضطراب مرگ و معنای زندگی توانایی پیش‌بینی سازگاری زناشویی را میان زوجین شهر تهران دارد؟

روش

جامعه، نمونه و روش نمونه‌گیری

طرح پژوهش حاضر جزء مطالعات توصیفی و از نوع همبستگی می‌باشد. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه افراد متأهل ساکن در شهر تهران بود که در سال ۱۳۹۹، ۲۳۱ نفر به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. براساس پیشنهاد تاباچنیک و فیدل (۲۰۰۷)، در مطالعات همبستگی، حداقل حجم نمونه با فرمول $N \geq 50 + 8M$ محاسبه می‌شود. در این فرمول، N بیانگر حجم نمونه مورد نیاز و M تعداد متغیرهای پیش‌بین است. در پژوهش حاضر، به منظور افزایش اعتبار داده‌ها، از نمونه‌های بیشتری مطالعه به عمل آمد. ملاک ورود به پژوهش حداقل داشتن سواد دیپلم، گذشت بیش از یک سال از زندگی مشترک، زندگی زیر یک سقف و عدم مصرف داروهای روان‌پزشکی بود؛ بدین صورت که در قسمت اطلاعات جمعیت‌شناختی، سؤالی مبنی بر اینکه آیا در حال حاضر داروی روان‌پزشکی خاصی مصرف می‌کنید یا خیر نوشته شد؛ در صورتی که شرکت‌کننده جواب آری به این سؤال می‌داد، از مطالعه خارج می‌شد. دامنه سنی شرکت‌کنندگان در پژوهش نیز بین ۲۰ تا ۶۰ سال بود. نمونه‌گیری در این پژوهش به دلیل محدودیت حضور در اماکن عمومی و تعطیلی برخی مراکز به علت شیوع ویروس کرونا، به صورت آنلاین انجام شد که در این راستا پژوهشگر برای قرارداد نپرسش‌نامه در فضای مجازی از مدیران گروه‌ها و کانال‌های تلگرامی مرتبط با زوج و خانواده موافقت گرفت. شرکت‌کنندگان به منظور پاسخ‌گویی وارد صفحه‌ای می‌شدند که در آن توضیحاتی درباره پژوهش و اهداف آن، ملاک‌های ورود به پژوهش و تأکید بر شرکت داوطلبانه و اهمیت رضایت آن‌ها برای شرکت در پژوهش نوشته شده بود. همچنین این اطمینان به شرکت‌کنندگان داده شد که اطلاعات آن‌ها محرمانه می‌ماند و صرفاً به صورت گروهی تحلیل خواهد شد. با توجه به متغیرهای مورد مطالعه، از چهار نوع پرسش‌نامه برای جمع‌آوری اطلاعات استفاده شد و شرکت‌کنندگان پرسش‌نامه‌های زیر را تکمیل کردند.

ابزار

آزمون سازگاری زناشویی لاک - والاس^{۱۵} (LWMAT): این مقیاس ۱۵ سؤالی توسط لاک و والاس^{۱۶} در سال ۱۹۵۹ ایجاد شد. هدف این آزمون ارزیابی میزان موفقیت همسران در خصوص فعالیت‌های دخیل در سازگاری زناشویی می‌باشد. نمرهٔ برش این مقیاس اکتساب نمرهٔ ۱۰۰ می‌باشد که کسب نمرهٔ کمتر از آن، دلالت بر تنیدگی در روابط زناشویی دارد. دامنهٔ اکتساب نمرات در این مقیاس بین ۲ تا ۱۵۸ است. ضریب آلفای کرونباخ این مقیاس در پژوهش ثنائی ذاکر (۱۳۷۹)، ۰/۶۴ محاسبه شده است و ضریب همبستگی بین دو نیمه‌آزمون را ۰/۹۰ گزارش کرده است. همچنین مؤمن‌زاده، مظاهری و حیدری (۱۳۸۴)، به وسیلهٔ روش دونیمه‌کردن، پایایی بالای ۰/۹۰ را گزارش کرده‌اند. روایی این مقیاس در پژوهش صادقی (۱۳۸۹) نشان داد که میان میانگین نمرات زنان و مردان سازگار و ناسازگار تفاوت معناداری وجود دارد. پایایی این پرسش‌نامه در مطالعهٔ حاضر از طریق محاسبهٔ آلفای کرونباخ، ۰/۸۰ به دست آمد.

مقیاس تجدیدنظرشدهٔ احساس تنهایی^{۱۷} (UCLA): مقیاس احساس تنهایی توسط راسل، پپلوا و فرگوسن^{۱۸} در سال ۱۹۹۸، به‌منظور توصیف تجارب افراد تنها ساخته شده است. این پرسش‌نامه ۲۰ سؤال دارد و فرد باید به هریک از سؤال‌ها، روی طیف لیکرت چهار درجه‌ای (هرگز ۱، به‌ندرت ۲، گاهی ۳، اغلب ۴)، پاسخ گوید. دامنهٔ نمرهٔ کسب‌شده بین ۲۰ تا ۸۰ است. در این مقیاس، سؤال‌های ۱، ۵، ۶، ۹، ۱۰، ۱۵، ۱۶، ۱۹ و ۲۰ به‌صورت معکوس نمره‌گذاری می‌شود. پایایی این پرسش‌نامه توسط سازندگان این مقیاس ۰/۹۴ به دست آمد. همچنین در ایران، داورپناه در سال ۱۳۷۳ این مقیاس را به فارسی ترجمه کرد و آلفای کرونباخ آن ۰/۷۸ به دست آمد. ضریب پایایی این مقیاس در پژوهش رحیم‌زاده (۱۳۸۸)، برابر با ۰/۹۳ به دست آمد و در پژوهش بحیرایی، دلاور و احدی (۱۳۸۵) نیز آلفای کرونباخ این مقیاس ۰/۸۸ و ضریب همبستگی بین نمرات احساس تنهایی با افسردگی ۰/۶۷ محاسبه شد. همچنین روایی سازهٔ این مقیاس در پژوهش حاتمی، فرمانی، صفوی، نجفی‌زاده و اسدی (۱۳۹۴) با استفاده از ضریب همبستگی ۰/۶۵ به دست آمد که در سطح ۰/۰۱ معنادار بود. پایایی این پرسش‌نامه در مطالعهٔ حاضر از طریق محاسبهٔ آلفای کرونباخ، مقدار ۰/۹۲ به دست آمد.

پرسش‌نامهٔ اضطراب مرگ^{۱۹} (DAS): این مقیاس در سال ۱۹۷۰ توسط تمپلر^{۲۰} ساخته شده و ۱۵ سؤال دارد که نگرش پاسخ‌دهندگان را به مرگ ارزیابی می‌کند. آزمونی پاسخ هر سؤال را با گزینهٔ صحیح (وجود اضطراب) یا غلط (عدم اضطراب) مشخص می‌کند. سؤال‌های ۳، ۴، ۵، ۶، ۷ و ۱۵ به‌صورت معکوس نمره‌گذاری می‌شود. دامنهٔ نمرات از ۰ تا ۱۵ بوده و نمرات بالا (بالتر از ۸)، معرف درجهٔ بالایی از اضطراب مرگ است. طبق بررسی‌های انجام شده، روایی و پایایی این مقیاس از اعتبار قابل قبولی برخوردار است. در فرهنگ اصلی، ضریب بازآزمایی این مقیاس ۰/۹۱ و روایی هم‌زمان آن بر اساس همبستگی با مقیاس اضطراب آشکار ۰/۵۹ و با مقیاس افسردگی ۰/۴۰ گزارش شده است (رجبی و بحرانی، ۱۳۸۰). این پرسش‌نامه در ایران مورد هنجاریابی قرار گرفته که در پژوهش رجبی و بحرانی (۱۳۸۰) ضریب پایایی این مقیاس ۰/۶۲ و همسانی درونی آن ۰/۷۳ به دست آمده است. همچنین روایی هم‌زمان آن براساس همبستگی با مقیاس اضطراب

آشکار ۰/۲۷ و با مقیاس افسردگی ۴۰/۰ گزارش شده است (رجبی و بحرانی، ۱۳۸۰). مقدار پایایی این پرسش‌نامه در مطالعه حاضر از طریق محاسبه آلفای کرونباخ، ۰/۷۶ به دست آمد.

پرسش‌نامه معنا در زندگی ^{۲۱} (MLQ): این پرسش‌نامه توسط استگر، فرازیبر، اویشی و کالر (۲۰۰۶) ^{۲۲}، برای ارزیابی وجود معنا و تلاش برای جست‌وجوی معنا ساخته شده است. این پرسش‌نامه از ۱۰ گویه و دو عامل وجود معنا در زندگی و جست‌وجوی معنا تشکیل شده است. این پرسش‌نامه، به صورت مقیاس ۷ درجه‌ای لیکرت، از خیلی موافقم تا خیلی مخالفم، نمره‌گذاری می‌شود که کسب نمره بالاتر دلالت بر وجود معنای بیشتر است و نمره پایین‌تر دلالت بر بی‌معنایی زندگی (استگرو همکاران، ۲۰۰۶). مجموع نمره‌های سؤالات ۱، ۴، ۵، ۶، ۹، بعد وجود معنا در زندگی و مجموع نمرات سؤالات ۲، ۳، ۷، ۸، ۱۰، بعد جست‌وجو برای یافتن معنا را اندازه‌گیری می‌کند. سؤال ۹ در این پرسش‌نامه، به صورت معکوس نمره‌گذاری می‌شود. استگر و همکاران (۲۰۰۶) ضرایب آلفای کرونباخ را برای خرده‌مقیاس وجود معنا در زندگی ۰/۸۶ و جست‌وجوی معنا را ۰/۸۷ گزارش کرده‌اند و همچنین روایی همگرا و افتراقی مناسب آن را نشان داده‌اند. این پرسش‌نامه در ایران توسط مصرآبادی، استوار و جعفریان (۱۳۹۲) هنجاریابی شده است که اعتبار آن برای بعد وجود معنا در زندگی ۰/۸۶ و برای بعد جست‌وجوی معنا ۰/۸۷ گزارش شده است. نتایج نشان می‌دهد این ابزار از ساختار عاملی قابل‌قبولی برخوردار است. در پژوهش غلام‌محمدی، فروغان، بهرامی، یونسی و فرضی (۱۳۹۲)، مقدار پایایی، با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ، ۰/۷۱ گزارش شده است. مقدار پایایی این پرسش‌نامه در مطالعه حاضر، از طریق محاسبه آلفای کرونباخ، ۰/۸۴ به دست آمد.

بیان یافته‌ها

با توجه به یافته‌های مربوط به اطلاعات جمعیت‌شناسی، از میان ۲۳۱ نفر شرکت‌کننده در این پژوهش، ۷۶ نفر از آزمودنی‌ها مرد و ۱۵۵ نفر زن بودند. همچنین میانگین سن ازدواج و مدت ازدواج شرکت‌کنندگان به ترتیب ۶۳/۳۳ و ۱۰/۱۰ بود. میانگین و انحراف معیار و همچنین کجی و کشیدگی متغیرهای پژوهش در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱: شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیرها	میانگین	انحراف استاندارد	کجی	کشیدگی
سازگاری زناشویی	۱۰۲/۶۵	۳۲/۴۱	۰/۷۲۹	۰/۱۶
احساس تنهایی	۴۱/۶۵	۱۱/۸۲	۰/۲۳۹	- ۰/۴۶۷
اضطراب مرگ	۷/۶۲	۳/۴۳	۰/۰۱۷	- ۰/۷۴۴
معنای زندگی	۵۵/۲۸	۱۰/۱۷	- ۰/۱۰۴۵	۱/۶۱۶

با توجه به نتایج ارائه‌شده در جدول ۱، میانگین و انحراف استاندارد سازگاری زناشویی به ترتیب ۱۰۲/۶۵ و ۳۲/۴۱، میانگین و انحراف استاندارد احساس تنهایی به ترتیب ۴۱/۶۵ و ۱۱/۸۲، میانگین و انحراف استاندارد اضطراب مرگ به ترتیب ۷/۶۲ و ۳/۴۳ و میانگین و انحراف استاندارد معنای زندگی به ترتیب ۵۵/۲۸

و ۱۰/۱۷ می‌باشد. همچنین بررسی کجی و کشیدگی متغیرها نشان داد در صورتی که کجی و کشیدگی مقیاس‌ها از قدر مطلق عدد دو کمتر باشد، به تبدیل مقیاس‌ها نیازی نیست و روند تحلیل می‌تواند ادامه یابد (گارسن، ۲۰۰۲). از آنجا که همه متغیرها از کجی و کشیدگی کمتر از عدد دو برخوردارند، به نظر می‌رسد داده‌ها نرمال باشند.

جدول ۲: نتایج ضریب همبستگی پیرسون درباره رابطه احساس تنهایی، اضطراب مرگ و معنای زندگی با سازگاری زناشویی

متغیرها	۱	۲	۳	۴
سازگاری زناشویی	۱			
احساس تنهایی	-۰/۳۱۷**	۱		
اضطراب مرگ	-۰/۰۵۲	۰/۲۱**	۱	
معنای زندگی	۰/۴۳۵**	-۰/۲۱۴**	-۰/۰۹۳	۱

**P<0/01

به‌منظور بررسی ارتباط بین متغیرهای پژوهش از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شد. براساس نتایج به‌دست‌آمده در جدول ۲، سازگاری زناشویی به‌ترتیب رابطه منفی و معنادار با احساس تنهایی و ارتباط مثبت و معنادار با معنای زندگی داشت ($P<0/01$) و فاقد رابطه معنادار با اضطراب مرگ بود. به این صورت که با افزایش سازگاری زناشویی، میزان احساس تنهایی کاهش و میزان معنای زندگی افزایش می‌یابد.

در ادامه، به‌منظور اجرای آزمون رگرسیون چندگانه، تعدادی از پیش‌فرض‌های آن مورد بررسی قرار گرفت. براین اساس، سه پیش‌فرض بررسی هم‌خطی متغیرهای پیش‌بین پژوهش با استفاده از شاخص تحمل و تورم واریانس، بررسی پراکندگی مقادیر باقی‌مانده رگرسیون‌ها و آزمون داده‌های پرت، با استفاده از آزمون فاصله ماهالانویس مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. همانگونه که در جدول ۳ نشان داده شده، برای بررسی هم‌خطی متغیرهای پیش‌بین با یکدیگر، از شاخص تحمل و تورم واریانس استفاده شد. از نظر تاباچینیک و فیدل (۲۰۰۱)، برای میزان شاخص تحمل بیشتر از ۰/۴ و برای شاخص تورم واریانس نیز مقدار کمتر از ۵/۲ مطلوب است که براساس یافته‌های به‌دست آمده فرض برقراری عدم هم‌خطی متغیرهای پیش‌بین پژوهش رعایت شده است.

برای بررسی پراکندگی مقادیر باقی‌مانده رگرسیون، آزمون دوربین واتسون نشان داد که مقدار به‌دست آمده در فاصله مجاز قرار دارد که از دیدگاه تاباچینیک و فیدل (۲۰۰۱)، در صورتی که مقدار به‌دست‌آمده بین صفر تا دو قرار بگیرد، مفروضه استقلال باقی‌مانده‌ها برقرار است. همچنین به‌منظور بررسی داده‌های پرت، از آزمون فاصله ماهالانویس استفاده شد. مقدار ماکسیمم فاصله به‌دست آمده در پژوهش حاضر، عدد ۲۰/۱۶ می‌باشد که در سطح یک‌هزارم در مقایسه با مقدار بحرانی (۶۲/۱۶)، کوچک‌تر است و از این‌رو نیاز به حذف داده پرتی در میان نمونه‌ها نبود.

جدول ۳: نتایج پیش‌فرض‌های متغیرهای پژوهش

ماهالانوبایس		دوربین واتسون	تورم واریانس	ضریب تحمل	متغیرها
مقدار بحرانی	مقدار به‌دست آمده	۱/۹۵۲	۱/۰۵	۰/۹۵۲	احساس تنهایی
۱۶/۲۶	۱۶/۲۰		۱/۵۳	۰/۹۵۰	اضطراب مرگ
			۱/۰۵	۰/۹۵۲	معنای زندگی

به‌منظور پیش‌بینی سازگاری زناشویی براساس احساس تنهایی، اضطراب مرگ و معنای زندگی از روش تحلیل رگرسیون گام‌به‌گام استفاده شد که متغیر اضطراب مرگ، به‌دلیل عدم معنادار بودن رابطه آن با سازگاری زناشویی، در مدل حاضر حذف شد. خلاصه نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل رگرسیون، گام‌به‌گام در جدول ۴ ارائه شده است.

جدول ۴: نتایج تحلیل رگرسیون چندمتغیره سازگاری زناشویی براساس احساس تنهایی و معنای زندگی

مدل	شاخص	مجموع مجذورات	درجات آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معناداری	R	R ²	ΔR ²
۱	رگرسیون	۳۷۸۷۳/۶۱۱	۱	۳۷۸۷۳/۶۱۱	۴۲/۵۵۴	۰/۰۰۱	۰/۳۹۶	۰/۱۵۷	۰/۱۵۳
	باقی‌مانده	۲۰۳۸۱۲/۶۸۳	۲۲۹	۸۹۰۰/۱۰۲					
۲	رگرسیون	۵۱۲۵۲/۴۷۸	۱	۲۵۶۲۶/۲۳۹	۳۰/۶۸۱	۰/۰۰۱	۰/۴۶۱	۰/۲۱۲	۰/۲۰۵
	باقی‌مانده	۱۹۰۴۲۳/۸۱۷	۲۲۸	۸۳۵/۲۳۶					

براساس جدول ۴، نتیجه تحلیل واریانس حاکی از معناداری کل مدل می‌باشد؛ بدین نحو که متغیرهای پیش‌بین از قدرت تبیین بالایی برخوردار هستند و از این نظر حداقل یکی از متغیرهای پیش‌بین می‌تواند پیش‌بینی‌کننده سازگاری زناشویی باشد. در این رگرسیون، دو مدل به دست آمد که در ابتدا در گام اول، متغیر معنای زندگی تجزیه و تحلیل شد؛ به‌طوری که این متغیر ۱۵ درصد از واریانس متغیر سازگاری زناشویی را پیش‌بینی می‌کرد؛ در گام دوم، متغیر احساس تنهایی تجزیه و تحلیل شد که با اضافه شدن این متغیر، ضریب همبستگی چندمتغیره ۰/۴۶۱ به دست آمد. این دو متغیر در مجموع، ۲۱ درصد از واریانس متغیر سازگاری زناشویی را پیش‌بینی می‌کنند.

جدول ۵: نتایج ضریب رگرسیون چندگانه گام‌به‌گام پیش‌بینی سازگاری زناشویی، براساس

احساس تنهایی، اضطراب مرگ و معنای زندگی

Sig	T	ضرایب استاندارد استاندارد بتا	ضرایب غیراستاندارد		پیش‌بین	مدل
			خطای ضرایب غیراستاندارد	B		
۰/۰۰۱	۳/۰۳۳		۱۰/۸۶۴	۳۲/۹۵۱	اثر ثابت	۱
۰/۰۰۱	۶/۵۲۳	۰/۳۹۶	۰/۱۹۳	۱/۲۶۱	معنای زندگی	
۰/۰۰۱	۴/۹۹۱		۱۳/۹۸	۶۹/۷۸۲	اثر ثابت	۲
۰/۰۰۱	۵/۶۹۴	۰/۳۴۲	- ۱۹۲	۱/۰۹۳	معنای زندگی	
۰/۰۰۱	- ۴/۰۰۲	- ۰/۲۴۱	- ۱۶۵	- ۰/۶۶۱	احساس تنهایی	

براساس یافته‌های جدول ۵، متغیر معنای زندگی با بتای $1/093$ و $5/649t$ ، می‌تواند تغییرات سازگاری زناشویی را به‌نحو معناداری تبیین نماید. بنابراین، به‌ازای هر واحد تغییر در متغیر معنای زندگی، $1/093$ تغییر در متغیر سازگاری زناشویی ایجاد می‌شود و به‌ازای هر واحد استاندارد تغییر در بعد معنای زندگی نیز $0/343$ واحد انحراف استاندارد تغییر در متغیر سازگاری زناشویی ایجاد می‌شود. همچنین احساس تنهایی با بتای $0/661-$ و $4/02t-$ می‌تواند تغییرات سازگاری زناشویی را به‌نحو معناداری تبیین نماید. بنابراین، به‌ازای هر واحد تغییر در متغیر احساس تنهایی، $0/661-$ تغییر در متغیر سازگاری زناشویی ایجاد می‌شود و به‌ازای هر واحد استاندارد تغییر در متغیر احساس تنهایی نیز $0/241-$ واحد انحراف استاندارد تغییر در متغیر سازگاری زناشویی ایجاد می‌شود. در ادامه، به‌منظور بررسی نقش تعدیل‌کنندگی جنس و سن در رابطه بین متغیرهای پیش‌بین پژوهش با سازگاری زناشویی، از رگرسیون سلسله مراتبی استفاده شد؛ بدین صورت که هر یک از متغیرهای پیش‌بین در جنس و سن ضرب شد.

جدول ۶: بررسی نقش تعدیل‌گر جنسیت در رابطه بین متغیرهای پیش‌بین با سازگاری زناشویی

متغیرها	R	R ²	B	خطای استاندارد	Beta	t	سطح معناداری
احساس تنهایی* جنس	0/318	0/101	0/137	0/280	0/122	0/361	0/718
اضطراب مرگ* جنس	0/062	0/004	0/306	1/351	0/067	0/227	0/821
معنای زندگی* جنس	0/435	0/190	0/018	0/427	0/017	0/042	0/967

همانطور که در جدول ۶ نشان داده شده، مقدار سطح معناداری به‌دست آمده از ضرب متغیرهای پیش‌بین و جنس معنادار نبوده است؛ بنابراین جنس‌نقش تعدیل‌کننده‌ای در ارتباط بین متغیرهای پیش‌بین با سازگاری زناشویی ندارد.

جدول ۷: بررسی نقش تعدیل‌گر سن در رابطه بین متغیرهای پیش‌بین با سازگاری زناشویی

متغیرها	R	R ²	B	خطای استاندارد	Beta	t	سطح معناداری
معنای زندگی* سن	0/460	0/212	0/021	0/20	0/403	1/016	0/311
اضطراب مرگ* سن	0/096	0/009	0/021	0/072	-0/078	-0/290	0/772
احساس تنهایی* سن	0/337	0/114	0/06	0/20	0/084	0/278	0/782

همچنین در جدول ۷، مقدار سطح معناداری به‌دست‌آمده از ضرب متغیرهای پیش‌بین و سن معنادار نبوده است؛ بنابراین سن نیز فاقد نقش تعدیل‌کننده در ارتباط بین متغیرهای پیش‌بین با سازگاری زناشویی می‌باشد.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر پیش‌بینی سازگاری زناشویی براساس احساس تنهایی، اضطراب مرگ و معنای زندگی بود. یافته‌ها نشان داد که سازگاری زناشویی با احساس تنهایی رابطه منفی و معنادار و با معنای زندگی رابطه مثبت و معنادار دارد؛ با این حال ارتباط معناداری بین سازگاری زناشویی و اضطراب مرگ مشاهده نشد. نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه گام‌به‌گام نشان داد که احساس تنهایی به‌نحو معناداری سازگاری زناشویی را پیش‌بینی می‌کند که این یافته با نتایج پژوهش‌های میری و نجفی (۱۳۹۶)، محمودپور و همکاران (۱۳۹۹)، دادو و دبیری (۱۳۹۸)، بردوده، رهنجات و کیانی‌مقدم (۱۳۹۶)، پاک‌خصال، سیف‌اللهی و میرزایی (۱۳۹۹)، پاتو، حقیقت و حسن‌آبادی (۱۳۹۱) همسو می‌باشد. در تبیین این یافته می‌توان گفت که احساس تنهایی وضعیت ناخوشایندی است که بر نگرش افراد به خود و روابط بین فردی، تأثیر منفی می‌گذارد. در این میان، زوجینی که احساس تنهایی می‌کنند، نگرش منفی به زندگی دارند و روابط صمیمانه و نزدیک با دیگران ندارند و فاقد احساس همدلی و اعتماد و پذیرش هستند. با تداوم احساس تنهایی، فرد هرچه بیشتر با هیجانات منفی روبه‌رو می‌شود و زمینه اختلاف و اقدام به جدایی گسترش می‌یابد (محمودپور و همکاران، ۱۳۹۹)؛ به علاوه، هنگامی که به فردی احساس تنهایی دست می‌دهد، تصور می‌کند که طرف مقابل توان درک وی را ندارد. در چنین شرایطی، راهبردی که فرد پیش می‌گیرد این است که در روابط میان فردی خود، پذیرای دیگران نیست و از روابط کناره‌گیری می‌کند (هلم، یانگ و پینل، ۲۰۱۹)؛ از این‌رو با توجه به این وضعیت، فرد در باور به تعلق و پیوندجویی احساس شکست کرده و از نزدیکی و صمیمیت اجتناب می‌کند (زاده‌محمدی، ۱۳۹۵). همچنین تحریفات شناختی ناشی از احساس تنهایی باعث ایجاد انتظارات و توقعات نامناسب از همسر شده و سوءتفاهم‌ها را در هر دو طرف افزایش می‌دهد؛ در نتیجه، سازگاری با شرایط مختلف خانوادگی تحت‌الشعاع قرار می‌گیرد (هنریچ و گالون، ۲۰۰۶). از این‌رو براساس مطالب مطرح‌شده، می‌توان گفت که احساس تنهایی در زوجین زمینه‌ساز سازگاری و عدم تفاهم را ایجاد می‌کند.

براساس نتایج به‌دست آمده، سازگاری زناشویی فاقد ارتباط معنادار با اضطراب مرگ بود. در وهله اول به نظر می‌رسد این یافته با برخی از یافته‌های سایر پژوهش‌ها ناهمخوان باشد؛ اما در تبیین آن می‌توان گفت که اضطراب مرگ در وضعیت زناشویی، به چیزهای دیگری همانند جنسیت، سن و تفاوت‌های فرهنگی بستگی دارد (مک‌لئود، کوندل، ویلسون، اوستین^{۲۳}، ۲۰۱۶). در حالت کلی، زنان اضطراب مرگ بیشتری در مقایسه با مردان دارند (زگلر و شکلفرود، ۲۰۱۸) و مردان کمتر به‌صورت گشوده با ترس‌هایشان مواجه می‌شوند. یا اینکه، همسران در دهه سوم زندگی خود اضطراب مرگ بیشتری دارند و از دهه سوم تا دهه پنجم، اضطراب مرگ به‌مرور کاهش می‌یابد؛ اما از دهه ششم به بعد، افزوده می‌شود (کستنباوم، ۲۰۰۰؛ فورتمر و نیمار، ۱۹۹۹). از منظر تفاوت‌های فرهنگی نیز، از دیدگاه بکر (۱۹۷۳)، افراد تحت تأثیر فرهنگشان با اضطراب مرگ و آثار آن روبه‌رو می‌شوند؛ برای مثال، برخی کشورهای عربی اضطراب مرگ بیشتری در مقایسه با کشورهای غربی دارند که عامل مذهب و درگیری‌هایی مثل جنگ و تنش می‌تواند این تفاوت‌ها را توجیه کند (زیگلر و همکاران، ۲۰۱۶). نکته مهم دیگر آن است که چون نگرش به مرگ در جوامع دینی مشرق زمین دارای تلفی خاص خود است، باعث می‌شود اضطراب ناشی از آن نیز متفاوت باشد. به نظر می‌رسد نگرش به اضطراب

مرگ در جوامع دینی، در بیشتر مواقع به رخداد‌های پس از مرگ اشاره داشته باشد (فیفل، ۱۹۵۹)؛ به علاوه، در جوامع دینی مسلم بودن امر مرگ لزوماً باعث افزایش تلاش در جهت افزایش صمیمیت نخواهد شد؛ زیرا ادامهٔ زندگی و تکامل انسان در سرای دیگر نمی‌تواند به شکوفایی روابط صمیمانه کمک نماید (زاده‌محمدی، ۱۳۹۵). بدین ترتیب، اضطراب مرگ در نگاه هستی‌شناسانهٔ فرهنگ دینی، در مقایسه با نگاه وجودی، تعریف و طرز تلقی خاصی دارد که با سازگاری زناشویی بی‌ارتباط است.

براساس نتایج به‌دست‌آمده، سازگاری زناشویی توانست معنای زندگی را پیش‌بینی نماید. این یافته با نتایج پژوهش گواهی‌جهان (۱۳۸۶)، سلیمانی و خسرویان (۱۳۹۵)، صدر، اعظمی، معتمدی، سیاه‌کمری و مام‌شریفی (۱۳۹۷)، عابدینی و کریمی‌اوتادی (۱۳۹۶)، موسوی، پورشریف، رضایی و قاسمی‌جویه (۱۳۹۷) و احدی‌زاده و خلعتبری (۱۳۹۸) همسو می‌باشد. در تبیین این یافته می‌توان گفت فردی که قائل به معنای زندگی است، به موقعیت‌ها و جنبه‌های گوناگون زندگی توجه می‌کند و از این طریق، به زندگی پیرامون خود تعهد می‌ورزد و مسئولیت آن را پذیرا می‌شود. افراد مسئولیت‌پذیر در زندگی زناشویی خود، در جایگاه همسر، به‌خوبی نقش و وظایف خود را ایفا می‌نمایند و دارای میزان بالاتری از سازگاری در ارتباط با همسرشان هستند (فرانکل، ۱۳۹۴). به‌عبارتی، در صورتی که همسران وجود معنا را در زندگی خود احساس نمایند، باعث می‌شود نقش خود را به‌عنوان همسر بهتر بشناسند و به دنبال آن، مسئولیت‌پذیرتر شوند؛ در نتیجه، با چالش‌های زندگی آسان‌تر کنار می‌آیند و زندگی زناشویی غنی‌تری دارند (موسوی و همکاران، ۱۳۹۷). از نظر استگر (۲۰۰۸)، معنای زندگی نمادی از اتصال زمان حال به گذشته و آینده است. به این ترتیب، به انسجام زندگی کمک می‌کند و آن را در بافتی یکپارچه قرار می‌دهد. در صورتی که همسران، به همین منوال، رویدادهای زندگی‌شان را هدفمند و غایت‌مدار بدانند، بر رضایت آنان افزوده می‌شود. از طریق انسجام افکار و احساس و رفتار، می‌توان اهداف مناسب و موقعیت‌های منحصربه‌فردی برای زندگی برگزید که معنای خاص خود و ثمرهٔ فردی و بین فردی داشته باشد. دستیابی به معنا، فارغ از سن، جنسیت، مدت ازدواج و تعداد فرزندان، امکان‌پذیر است، اما نیازمند احساس حضور معنا یا تلاش برای کاوش آن در زندگی می‌باشد.

همچنین نتایج این پژوهش نشان داد که جنسیت و سن فاقد نقش تعدیل‌گر در رابطهٔ میان متغیرهای پیش‌بین و سازگاری زناشویی بود. دربارهٔ عدم‌نقش تعدیل‌گر سن و جنسیت در رابطه با احساس تنهایی و سازگاری زناشویی، می‌توان اشاره کرد که در بسیاری از پژوهش‌های انجام‌شده، ارتباط میان سن و جنسیت با احساس تنهایی قطعی نیست؛ از این رو، هم‌راستا با این پژوهش، هیچ تفاوتی در میزان اکتساب نمرهٔ احساس تنهایی میان هر دو جنس، در مطالعات گذشته گزارش نشد و به نظر می‌رسد فاکتورها و شرایط دیگری در آن دخیل باشد (نیکولاسیون و تورسن^{۲۴}، ۲۰۱۴). در پژوهش دیگری نیز هر دو گروه سنی جوانان و سالمندان، در معرض تجربهٔ احساس تنهایی هستند (ویکتور و یانگ، ۲۰۱۲)؛ همچنین مفهوم اضطراب مرگ، به‌دلیل اینکه از مفاهیم بسیاری، از جمله وضعیت زناشویی و فرهنگ تأثیرگذار است، در دامنه‌های سنی و جنسیت در پژوهش حاضر، نقش معناداری ایفا نمی‌کند. در تبیین یافتهٔ عدم نقش تعدیل‌گر دامنهٔ سنی و جنسیت در ارتباط با معنای زندگی و سازگاری زناشویی نیز می‌توان گفت که از دیدگاه بسیاری از نظریه‌پردازان حوزهٔ معنای زندگی، این مفهوم فارغ از عواملی همانند سن و جنسیت، نقش بنیادینی در

زندگی انسان دارد و بدون دخالت این عوامل، انسان قادر به حفظ روابط صمیمانه و پایدار نمی‌باشد (استگر، ۲۰۰۸).

از محدودیت‌های این پژوهش می‌توان به تعمیم یافته‌ها اشاره کرد. نمونه‌های موردبررسی در پژوهش حاضر، زوجین ساکن در شهر تهران بودند؛ بنابراین، در تعمیم یافته‌ها به سایر جمعیت‌ها باید احتیاط لازم صورت گیرد. به علاوه، اغلب مشارکت‌کنندگان در پژوهش حاضر را گروه زنان تشکیل می‌دادند و آمار مردان شرکت‌کننده به مراتب کمتر بود.

همچنین، توصیه می‌شود نقش سایر متغیرهای دخیل در ارتباط بین احساس تنهایی، اضطراب مرگ و معنای زندگی در رابطه با سازگاری زناشویی مورد بررسی قرار گیرد.

براساس یافته‌های پژوهش حاضر می‌توان گفت احساس تنهایی و معنای زندگی، از مهم‌ترین مؤلفه‌های هستی‌شناختی هستند که بر سازگاری زناشویی در میان همسران تأثیر بسزایی دارند؛ از این‌رو، یافته‌های این پژوهش می‌تواند مبنایی برای شناخت و تبیین مؤلفه‌های هستی‌شناسانه دخیل در سازگاری زناشویی همسران فراهم آورد و همچنین به درمانگران خانواده کمک کند تا از آن برای طراحی مداخله‌های درمانی هستی‌گرایانه، به‌منظور ارتقای سازگاری در میان همسران استفاده کنند.

پی‌نوشت‌ها

- | | |
|-------------------------------|--------------------------------------------|
| 1. Kim, Shin & Yun | 13. Nock |
| 2. Cihan & Aydogan | 14. Berry-Smit |
| 3. Cumming & orally | 15. Lock - Wallace Marital Adjustment Test |
| 4. Sinha & Mackerjec | 16. Lock - Wallace |
| 5. Schneider & Krug | 17. The revised UCLA loneliness scale |
| 6. Elhageen | 18. Russell, Peplau & Ferguson |
| 7. Gire | 19. Death Anxiety Scale |
| 8. Iverach, Menzies & Menzies | 20. Templer |
| 9. French, Greenauer & Mello | 21. Meaning of life questioner |
| 10. Akın & Tas | 22. Steger, Frazier, Oishi & Kaler |
| 11. Lantz | 23. MacLeod, Crandall, Wilson, Austin |
| 12. Horwitz, Helen & Sandra | 24. Nicolaisen, Thorsen |

منابع

- احدی‌زاده، ن.، خلعنبری، ج. (۱۳۹۸). رابطه خوش‌بینی، خودکارآمدی جنسی و احساس تنهایی با دل‌زدگی زناشویی در زنان متأهل، اصول بهداشت روانی، ۲(۲۲)، ۹۷-۹۱.
- اشنایدر، ک.، کراگ، ر. (۱۳۹۴). درمان هستی‌گرا - انسان‌مدار، ترجمه حسین زیرک، تهران: انتشارات ارجمند.
- بحیرایی، ه.، دلاور، ع.، احدی، ج. (۱۳۸۵). هنجاریابی مقیاس احساس تنهایی (UCLA) نسخه سوم در جامعه دانشجویان مستقر در تهران، روان‌شناسی کاربردی، ۱، ۱۸-۶.
- بخشی، ح.، اسدپور، م.، خدادادی‌زاده، ع. (۱۳۸۶). ارتباط رضایت از روابط زناشویی با افسردگی زوجین، دانشگاه علوم پزشکی قزوین، ۱۱(۲)، ۴۳-۳۷.

- بردوده، س.، راه‌نجات، ا.، ربیعی، م.، و کیانی‌مقدم، ا. (۱۳۹۶). تعیین رابطه بین احساس تنهایی با وابستگی به اینترنت و تعارض زناشویی در زوجین، پرستار و پزشک در رزم، ۵(۱۶)، ۳۷-۳۱.
- پاتوم، م.، حقیقت، ف.، و حسن‌آبادی، ح. (۱۳۹۲). بررسی نقش کیفیت ارتباط زوجین در پیش‌بینی احساس تنهایی، مشاوره و روان‌درمانی خانواده، ۳(۴)، ۵۶۵-۵۴۳.
- پاک‌خصال، ا.، سیفاللهی، س.، و میرزایی، خ. (۱۳۹۹). بررسی رابطه احساس تنهایی، حمایت ادراک‌شده و رضایت زناشویی با استفاده از شبکه‌های مجازی در بین زوجین تهرانی، مطالعات راهبردی زنان، ۲۲(۸۷)، ۱۷۳-۱۵۱.
- پروچسکا، ج.، و نورگراس، ج. (۱۳۹۴). نظریه‌های روان‌درمانی، ترجمه یحیی سیدمحمدی، تهران: نشر روان.
- پورغلامی، م.، سهرابی شکفتی، ن.، و سامانی، س. (۱۳۹۰). رابطه بین ابعاد کیفیت زندگی و نگرش نسبت به مرگ در سالمندان، دومین همایش ملی روان‌شناسی، مرودشت، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت.
- ثناپی‌ذاکر، ب. (۱۳۸۷). مقیاس‌های سنجش خانواده و ازدواج. تهران: انتشارات بعثت.
- حاتمی، م.، فرمانی، ف.، صفوی، س.، نجفی‌زاده، ع.، اسدی قلعه‌رشیدی، م. (۱۳۹۴). اثربخشی گروه‌درمانی مبتنی بر رویکرد نظریه انتخاب بر کاهش احساس تنهایی بیماران مبتلا به مولتیپل اسکلروزیس (ام.اس)، فصلنامه علمی - پژوهشی روان‌شناسی سلامت، ۴(۱۶)، ۱۲۰-۱۰۹.
- دادو، پ.، و دبیری، س. (۱۳۹۸). پیش‌بینی رضایت زناشویی بر اساس دل‌زدگی زناشویی، احساس تنهایی و عملکرد جنسی در دانشجویان متأهل، فصلنامه علمی - پژوهشی علوم روان‌شناختی، ۱۸(۷۶)، ۵۰۷-۴۹۹.
- داورپناه، ف. (۱۳۷۳). هنجاریابی نسخه تجدیدنظر شده مقیاس تنهایی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، روان‌شناسی، دانشگاه علامه طباطبایی.
- رجبی، غ. ر.، و بحرانی، م. (۱۳۸۰). تحلیل عاملی سؤال‌های مقیاس اضطراب مرگ. مجله روان‌شناسی، ۵(۴)، ۳۴۴-۳۳۱.
- رحیم‌زاده، س.، پوراعتقاد، ح.، عسکری، ع.، و حجت، م. (۱۳۹۰). مبانی مفهومی احساس تنهایی: یک مطالعه کیفی، روان‌شناسی تحولی: روان‌شناسان ایرانی، ۸(۳۰)، ۱۴۱-۱۲۳.
- رضاپور میرصالح، ی.، اسماعیلی، م.، فرح‌بخش، ک.، ذکایی، م. (۱۳۹۴). بررسی نظام ارزش‌شناسی دینی در گفت‌وگوهای درون شخصی زوجین مذهبی برخوردار از سازگاری زناشویی بالا، پژوهش‌های روان‌شناسی بالینی و مشاوره، ۵(۲)، ۱۲۱-۱۰۰.
- روزیان، ع.، نامداری‌پور، ف.، جوادزاده، ف. (۱۴۰۱). واکاوی تعاملات سازنده در سازگاری زناشویی زوجین شهر یاسوج، ارمغان دانش، ۲۷(۵)، ۶۷۹-۶۶۵.
- روشن‌زاد، ن.، بیان‌فر، ف.، طالع‌پسند، س. (۱۳۹۸). پیش‌بینی سازگاری زناشویی زوج‌های جوان بر مبنای ویژگی‌های شخصیتی، تمایز یافتگی خود و سرسختی، روان‌شناسی بالینی، ۱۱(۱)، ۹۳-۱۰۷.
- زاده‌محمدی، ع. (۱۳۹۵). مکتب روان‌شناسی وحدت‌مدار؛ مقایسه تطبیقی با مکاتب روان‌تحلیلی، رفتارگرایی، انسان‌گرایی، وجودگرایی، شناخت‌گرایی، گشتالت، معناگرایی، تهران: نشر قطره.
- سلیمانی، ا.، خسرویان، ب. (۱۳۹۵). تأثیر معنادرمانی گروهی در رضایت زناشویی و بهزیستی روان‌شناختی همسران ناسازگار، مشاوره و روان‌درمانی خانواده، ۶(۲)، ۱۹-۱.
- شفیعی سنگ‌آتش، س.، ربیعی‌نیا، پ.، نجفی، م. (۱۳۹۱). اثربخشی درمان فراشناختی بر اضطراب و مؤلفه‌های فراشناختی مبتلایان به اختلال اضطراب فراگیر، روان‌شناسی بالینی، ۴(۴)، ۳۱-۲۰.
- صادقی، م.، مظاهری، م.، موتایی، ف. (۱۳۹۲). نقش تعامل زوجین در کاربرد مهارت‌های ارتباطی، فصلنامه خانواده‌پژوهی، ۹(۳۴)، ۱۸۸-۱۷۳.
- صادقی، م. (۱۳۸۹). الگوی تعاملی زناشویی در فرهنگ ایرانی و اثرمندی آموزش مهارت‌های ارتباطی مبتنی بر فرهنگ بر افزایش سازگاری همسران ناسازگار، پایان‌نامه دکترا، روان‌شناسی عمومی، دانشگاه شهید بهشتی.
- عابدینی، م.، و اوتاری، ب. (۱۳۹۶). تأثیر معنادرمانی بر دل‌زدگی زناشویی، رضایت زناشویی و صمیمیت زوجین، ششمین کنگره انجمن روان‌شناسی ایران، تهران، انجمن روان‌شناسی ایران.

- غلام‌محمدی، ه.، فروغان، م.، بهرامی، ف.، یونسی، س.، و فرضی، م. (۱۳۹۲). اثربخشی محتوای آموزشی دینی بر معناداری زندگی سالمندان مرد، *مطالعات ناتوانی*، ۳(۲)، ۴۲-۳۴.
- فرانکل، ب. (۱۳۹۴). *انسان در جست‌وجوی معنا*، ترجمه مهدی گنجی، تهران: انتشارات ارسباران.
- کاوه‌فارسانی، ذ.، احمدی، س.، فاتحی‌زاده، م. (۱۳۹۱). تأثیر آموزش مهارت‌های زندگی بر رضایت و سازگاری زناشویی زنان متأهل روستاهای شهرستان فارس، *مشاوره و روان‌درمانی خانواده*، ۲(۳)، ۳۸۷-۳۷۳.
- محمودپور، ع.، شیرینی، ط.، فرح‌بخش، ک.، ذوالفقاری، ش. (۱۳۹۹). پیش‌بینی گرایش به طلاق بر اساس دل‌زدگی زناشویی و تحمل پریشانی با میانجیگری احساس تنهایی در زنان متقاضی طلاق، *فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی*، ۱۱(۴۲)، ۱۴۱-۱۲۱.
- مصرآبادی، ج.، استوار، جعفریان، س. (۱۳۹۲). بررسی روایی سازه و تشخیصی پرسش‌نامه معنا در زندگی در دانشجویان، *علوم رفتاری*، ۷(۱)، ۳۳-۱۹.
- مظاهری، م.، کیقبادی، ف.، فقیه‌ایمانی، ز.، قشنگ، ن.، و پاتو، م. (۱۳۸۰). شیوه‌های حل مسئله و سازگاری زناشویی در زوج‌های ناباور و بارور، *باروری و ناباروری*، ۳(۸)، ۳۳-۲۲.
- مقدس‌زاده، م. (۱۴۰۰). پیش‌بینی سازگاری زناشویی براساس جهت‌گیری مذهبی، راهبردهای مقابله‌ای و صفات شخصیت، *ماهنامه علمی - تخصصی برن‌آفرین*، ش ۲(۲۴)، ۲۱-۱.
- موسوی، س.، پورشریف، آ.، رضایی، س.، قاسمی‌جونبه، ر. (۱۳۹۷). الگوی ساختاری - جنسیتی برای روابط بین معنا در زندگی با صمیمیت و سازگاری زناشویی، *فصلنامه پژوهش‌های نوین روان‌شناختی*، ۱۳(۵۰)، ۱۷۳-۱۵۳.
- مهرداد صدر، م.، اعظمی، ی.، معتمدی، ع.، سیاه‌کمری، ر.، و مام‌شریفی، پ. (۱۳۹۷). بررسی نقش راهبردهای مقابله با استرس، هدفمندی در زندگی و کیفیت زندگی در تبیین سازگاری زناشویی بانزنان، *روان‌پرستاری*، ۶(۲)، ۲۳-۱۲.
- مؤمن‌زاده، ف.، مظاهری، م.، ع.، حیدری، م. (۱۳۸۴). ارتباط تفکرات غیرمنطقی و الگوهای دلبستگی با سازگاری زناشویی، *فصلنامه خانواده‌پژوهی*، ۱(۴)، ۳۷۸-۳۶۹.
- میری، ن.، نجفی، م. (۱۳۹۶). نقش صمیمیت، احساس تنهایی و ناگویی خلقی در پیش‌بینی رضایت زناشویی، *دانشگاه علوم پزشکی قم*، ۱۱(۳)، ۷۴-۶۶.
- ناموران گرمی، ک.، مرادی، ع.، فرزاد، ز.، و کار، ک. (۱۳۹۶). تعیین ابعاد سازگاری زناشویی در زوج‌های ایرانی: یک مطالعه کیفی، *سلامت و مراقبت*، ۱۹(۳)، ۱۹-۱.
- نجفی، م.، دبیری، س.، دهشیری، غ.، و جعفری، ن. (۱۳۹۲). نقش امید، احساس تنهایی و مؤلفه‌های آن در پیش‌بینی رضایت از زندگی سالمندان، *فصلنامه علمی پژوهش‌های مشاوره*، ۱۲(۴۷)، ۱۱۴-۹۹.
- هاشمی، ش.، عارفی، م.، کاکابرایی، ک.، و چهری، آ. (۱۴۰۱). نقش واسطه‌ای تنظیم هیجان، مدیریت تعارض و صمیمیت جنسی در رابطه سازگاری زناشویی و ویژگی‌های شخصیتی، *دستاورد‌های روان‌شناختی*، ۲۹(۲)، ۲۵۰-۲۳۱.
- هاشمی‌زاده، ف.، رضایی‌دهنوی، ص.، منتجیان، ز. (۱۳۹۹). بررسی اثربخشی آموزش معنادرمانی مبتنی بر مکتب ملاصدرا بر رضایت زناشویی، *دین و سلامت*، ۸(۲)، ۲۸-۴.
- یالوم، ا. (۱۳۷۰). *روان‌درمانی اگزستانسیال*، ترجمه سپیده حبیب، تهران: نشر نی.

- Abdel-Khalek, A. M. (1991). Death anxiety among Lebanese Samples. *Psychological Reports*, 68, 924-926.
- Abdel-Khalek, A. M., Beshai, J. A. & Templer, D. I. (1993). The structure of Templer's Death Anxiety Scale among Egyptian students. *Psychological Reports*. 72, 920-922.
- Ahadizadeh, N, & Khalatbari, J. (1398). The relationship between optimism, sexual self-efficacy, and loneliness with couple burnout in married women, *Journal of Fundamentals of Mental Health*, 22(2), 99-104 [in Persian].

- Akın, A., & Taş, İ. (2015). Validity and reliability of the Turkish version of the meaning in life questionnaire. *Turkish Studies - International Periodical for the Languages, Literature and History of Turkish or Turkic*, 10(3), 27-36.
- Bahirayi, H., Delavar, A., & Ahadi, H. (2006). Standardization of UCLA Loneliness Scale (version 3) on students attending Universities in Tehran. *Quarterly Journal of Applied Psychology*, 1(1), 6-18 [in Persian].
- Bakhshi Aliabad, H., Asadpour, M. & Khodadadizadeh, A. (2007). Correlation between marital satisfaction and depression among couples in Rafsanjan. *Qazvin University of Medical Sciences*, 11(2), 37-43 [in Persian].
- Bardudeh S, Rahnejat A, Rabiee M & Kianimoghadam A. (2018). The determination of the relationship between loneliness and internet dependence and marital conflict married couples. *NPWJM*, 5(16), 31-37 [in Persian].
- Becker, E. (1973). *The denial of death*. New York: Free Press.
- Berry-Smith, S. (2012). Death, Freedom, Isolation and Meaninglessness, And The Existential Psychotherapy of Irvin D. Yalom. A dissertation submitted for the degree of Master of Health Science (MHSc). Auckland University of Technology.
- Cihan, H., & Aydoğan, D. (2020). *Relational resilience as a protective factor in marital*. New York: Johan wily and sons
- Cumming, E. M. & Orally, A. W. (1997). *Fathers in family context: Effect of marital quality on child adjustment*. New York: Johan wily and sons.
- Dadoo, P., dabiri, S. (2019). Predicting the marital satisfaction based on marital burnout, loneliness and sexual function in married students. *Journal of Psychological Science*, 18(76), 499-507 [in Persian].
- Elhageen, A. A. (2004). *Effect of interaction between parental treatment styles and peer relations in classroom on the feelings of loneliness among deaf children in Egyptian schools*, Doctoral dissertation in Psychology, Tübingen university.
- Fiefel, H. (1959). *The meaning of death*. New York, NY: McGraw-Hill.
- Florian, V., Mikulincer, M., & Hirschberger, G. (2002). The anxiety-buffering function of close relationships: Evidence that relationship commitment acts as a terror management mechanism. *Journal of Personality and Social Psychology*, 82(4), 527-542.
- Fortner, B. V., & Neimeyer, R. A. (1999). Death anxiety in older adults: A quantitative review. *Death Studies*, 23(2), 411-387.
- French, C., Greenauer, N., & Mello, C. (2017). A Multifactorial Approach to Predicting Death Anxiety: Assessing the Role of Religiosity, Susceptibility to Mortality Cues, and Individual Differences. *Journal of Social Work in End-of-Life & Palliative Care*, 13(2-3), 151-172.
- Gholammohammadi, H. (2013). The Effectiveness of Religious Component Training on Meaning of Life of Elderly Men Resident in Sanatorium. *Disability Studies*, 3(2), 34-42 [in Persian].
- Gire, J. (2014). How Death Imitates Life: Cultural Influences on Conceptions of Death and Dying. *Readings in Psychology and Culture*, 6(2), 1-12.
- Hashemi, S., Arefi, M., Kakabraei, K., & Chehri, A. (2022). Mediating role of emotion regulation, conflict management and sexual intimacy in the relationship between marital adjustment and personality traits. *Psychological Achievements*, 29(2), 231-250 [in Persian].
- Hashemizadeh, F., Rezaei Dehnavi, S., Montajabian, Z. (2021) A Survey of the Effectiveness of Logotherapy Education Based on Mullā Ṣadrā's School of Thoughts upon Marital Satisfaction. *Psychological Achievements*, 8(2), 28-40 [in Persian].

- Hatami, M., Farmani, F., Safavi, S., Najafizadeh, A., & Asadi Qale Shidi, M. (2015). The effectiveness group therapy based on choice theory on loneliness feeling in patients with multiple sclerosis (MS). *Health Psychology*, 4(16), 109-120 [in Persian].
- Heinrich, L. M., & Gullone, E. (2006). The clinical significance of loneliness: A literature review. *Clinical Psychology Review*, 26(2), 695-718.
- Helm, P., Park, Y. C., & Pinel, E. (2019). Feeling alone in your subjectivity: Introducing the State Trait Existential Isolation Model. *STEIM*, 3(2), 5-41.
- Horwitz, A. V., Helen, R. W. & Sandra, H. W. (1997). Becoming Married and Mental Health: A Longitudinal Study of a Cohort of Young Adults. *Journal of Marriage and the Family Therapy*, 58, 895-907.
- Iverach, L., Menzies, R. G., Menzies, R. E. (2018). Death anxiety and its role in psychopathology: reviewing the status of a transdiagnostic construct. *Clin Psychol Rev*, 34(7), 580-593.
- Kalantari, A., Hoseynizadeh Arani, S. (2017). A Study of Social and Psychological Factors Affecting Feeling Lonely (Case Study: Tehran Citizens). *Quarterly of Social Studies and Research in Iran*, 6(2), 257-283.
- Kalantarkousheh, S. M. (2012). Effects of existential issues training on marital communication among Iranian women. *Psihologijske Teme*, 21(2), 213-224.
- Kastenbaum, R. (2000). *The psychology of death*. New York: Springer.
- Kaveh Farsani, Z., Ahmadi, S. A., & Fatehizadeh, M. S. (2012). The effect of life skills training on marital satisfaction and adjustment of married women in rural areas of Farsan. *Family Counseling and Psychotherapy*, 2(3), 373-387 [in Persian].
- Lantz, J. (2006). Resistance in family logotherapy. *Contemporary Family Therapy*, 14(5), 18-40.
- Lock, H. J., & Wallace, K. M. (1959). Short marital- adjustment a prediction tests: Their reliability and validity. *Marriage and Family Living*, (21), 251- 255.
- Marks, L. D. (2006). Religion and family relational health: An overview and conceptual model. *Journal of Religion and Health*, 45, 603-618.
- Mazaheri, M. A., Kayghobadi, F., Ghashang, N., Pato, M., & Faghihi Imani, Z. (2001). Problem Solving Strategies and Marital Adjustment in Infertile and Fertile Couples. *Journal of Reproduction and Infertility*, 2(4), 22-32 [In Persian].
- Mehrad Sader, M., Azami, Y., Moatamedy, A., Siah Kamari, R., & sharifi, P. (2018). Investigating the Role of Coping Strategies, Purposefulness in Life, and Quality of Life in Marital Adjustment of Retirees. *IJPN*, 6 (2), 12-23 [in Persian].
- Mesrabadi j, Jafarian S, Ostovar, N. (2012). Examine the validity and meaning in life questionnaire of the students. *International Journal of Behavioral Sciences*, 7(1), 83-90 [in Persian].
- Miri, N., Najafi, M. (2017) The Role of Intimacy, Loneliness, and Alexithymia in Marital Satisfaction Prediction. *Qom Univ Med Sci J*, 11 (3), 66-74 [in Persian].
- Moghaddaszadeh, M. (2022). Predicting marital adjustment based on religious orientation, coping strategies and personality traits. *Brand Afarin*, 2(24), 1-21 [in Persian].
- Mousavi, s., Poorsharif, A., Rezaei, S., Ghasemi Jobaneh, R. (2018). Structural-gender Model for Relationship among Meaning in Life with Intimacy and Marital Adjustment. *Journal of Modern Psychological Researches*, 13(50), 153-173 [in Persian].
- Najafe, M., Dabiri, S., Dehshiri, G., Jafari, N. (2013). The role of hope, loneliness feeling and their components in prediction of elders' life satisfaction. *QJCR*, 12 (47), 99-114.

- Namvaran Germi, K., Moradi, A., Farzad, V., Zaharakar, K. (2017). Identifying the Dimensions of Marital Adjustment in Iranian Couples: A Qualitative Study. *JHC*, 19 (3), 182-194 [in Persian].
- Nicolaisen, M., & Thorsen, K. (2014). Who are Lonely? Loneliness in Different Age Groups (18–81 Years Old), Using Two Measures of Loneliness. *The International Journal of Aging and Human Development*. 78(3), 229-257.
- Nock, S. L. (1995). A Comparison of Marriage and Capability Relationship. *Journal of Family Issue*, 16(1), 53-76.
- Pakkhesal, A., Seyfollahi, S., & Mirzaee, K. (2020). The Relationship between Loneliness, Perceived Support and Marital Satisfaction with the Use of Virtual Networks among Couples in Tehran. *Women's Strategic Studies*, 22(87), 151-173 [in Persian].
- Patoo, M., Haghghat, F., & Hassanabadi, H. R. (2014). The Role of Couple Relationship Quality in Predicting of Loneliness. *Family Counseling and Psychotherapy*, 3(4), 543-565 [in Persian].
- Rahimzadeh, S., Pour Etemad, H. R., Asgari, A., & Hojjat, M. R. (2011). conceptual basics of loneliness: a qualitytive study. *Developmental Psychology*, 8(30), 123-141 [in Persian].
- Rajabi, G. R. & Bohrani, M. (2002). Item factor analysis of the death anxiety scale. *journal of psychology*, 5(4), 331-344 [in persian].
- Rezapour Mirsaleh, Y., Smaeili, M., Farahbakhsh, K., & Zokaei, M. S. (2016). Investigating of Religious Axiological System in Inner Speech of Religious Couples with High Marital Adjustment. *Research in Clinical Psychology and Counseling*, 5(2), 100-121 [in Persian].
- Roderick, M., Jacqueline, C., Donna, W., & Philip A. (2016). Death anxiety among New Zealanders: the predictive role of gender and marital status, *Mental Health, Religion & Culture*, 19(4), 339-349.
- Roshannejhad, N., Bayanfar, M. & Talepasand, S. (2019). Predicting Marital Adjustment among Young Couples based on Personality Traits, Differentiation of Self and Psychological Hardiness. *Journal of Clinical Psychology*, 11(1), 93-107 [in Persian].
- Russell, D., Peplau, L. A., & Ferguson, M. L. (1998). Developing a measure of loneliness. *Journal of Personality Assessment*. 42(3), 290-294.
- Sadeghi, M., Mazaheri, M., Mootabi, F. (2013). The Role of Couples' Interactions in Application of Communication Skills. *Journal of Family Research*, 9(2), 173-188 [in Persian].
- Shafie Atash, S., Rafienia, P., & Najafi, M. (2012). The Efficacy of Metacognitive Therapy on Anxiety and Metacognitive Components in Individuals with Generalized Anxiety Disorder. *Journal of Clinical Psychology*, 4(4), 20-31 [in Persian].
- Shiri, T., farahbakhsh, K., & zolfaghari, S. (2020). Anticipation of divorce tendency based on marital Burnout and distress tolerance by the mediation of loneliness in female applicants for divorce. *Counseling Culture and Psycotherapy*, 11(42), 121-141 [in Persian].
- Soleimani, E., & khosravian, B. (2017). The effectiveness of group Logo therapy on marital satisfaction and psychological well-being of maladjusted couples. *Family Counseling and Psychotherapy*, 6(2), 1-19 [in Persian].
- Steger, M. F. (2008). *Experiencing meaning in life: Optimal functioning at the nexus of well-being, psychopathology, and spirituality*. New York: Springer.
- Steger, M. F., Frazier, P., Oishi, S., & Kaler, M. (2006). The meaning in life questionnaire: Assessing the presence of and search for meaning in life. *Journal of Counseling Psychology*, 53(1), 80-93.

- Sullivan, H. S. (1953). *The interpersonal theory of psychiatry*. New York: Rotledge.
- Tabachnick, B. G. & Fidell, L. S. (2007). *Using multivariate statistics (5th edn)*. Boston: Pearson Education.
- Tabachnick, B.G. and Fidell, L.S. (2001) *Using Multivariate Statistics*. 4th Edition, Allyn and Bacon, Boston: Rutledge.
- V. Zeigler, H., Shackelford, K. (2018.). *Encyclopedia of Personality and Individual Differences*. SAGE Publications Ltd.
- Victor, C. R., Yang, K.(2012). The prevalence of loneliness among adults: a case study of the United Kingdom. *J Psychol*. 146(1-2), 85-104.

